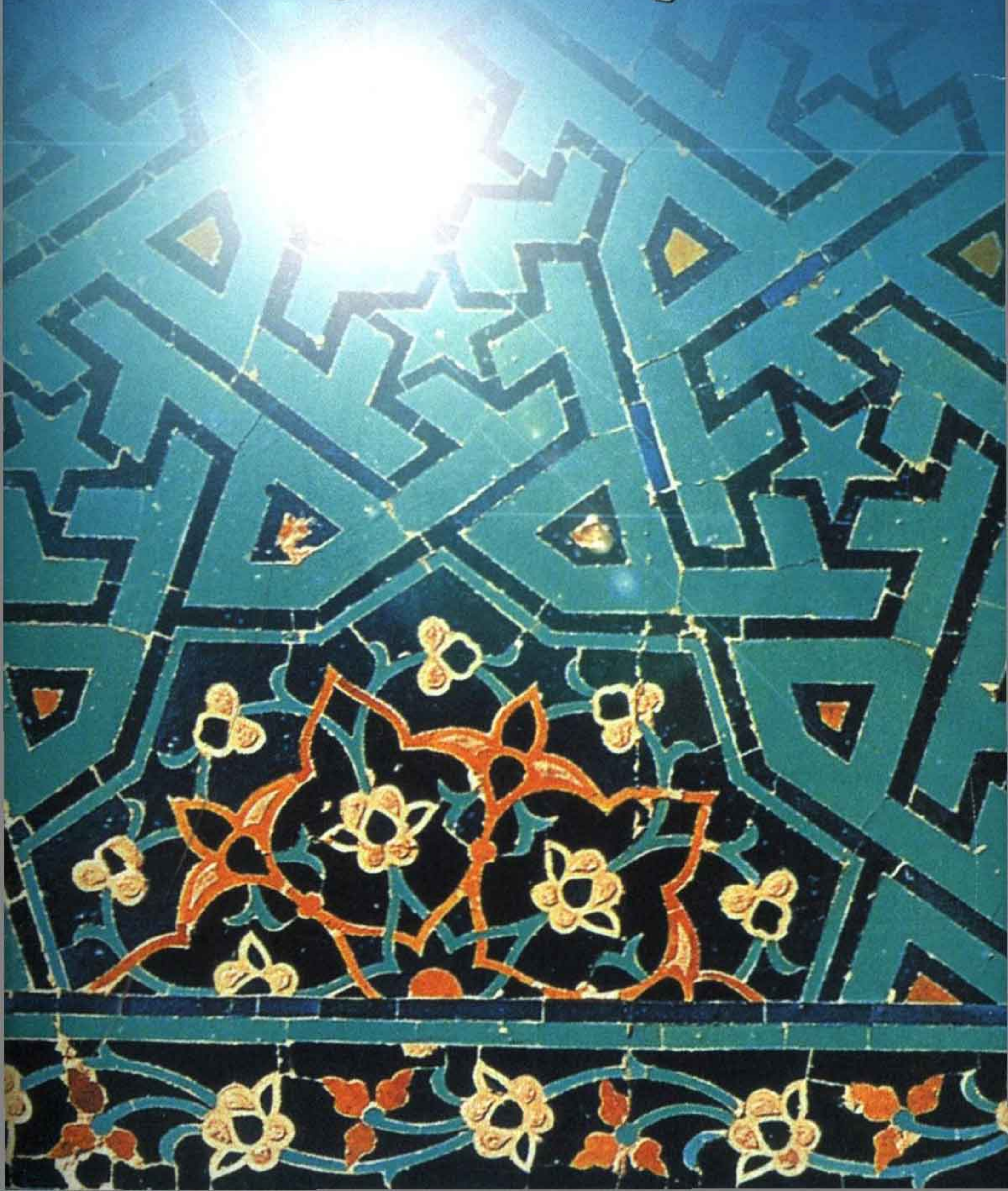


آفتاب شانه :

مروری بر دیدگاه رهبری درباره
حضرت مهدی (عج)
و فلسفه انتظار





آفتاب در سایه

مروری بر دیدگاه رهبری درباره

حضرت مهدی (عج) و فلسفه انتظار

آفتاب در سایه

مروری بر دیدگاه رهبری درباره
حضرت مهدی (عج) و فلسفه انتظار

حضرت آیت الله سیّد علی خامنه‌ای

دفتر نشر فرهنگ اسلامی

۱۳۸۳

خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ -
آفتاب در سایه: مروری بر دیدگاه رهبری درباره حضرت مهدی (عج) و فلسفه انتظار /
علی خامنه‌ای. - تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۳.
شش، ۴۵ ص.

ISBN : 964-476-088-3

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه به صورت زیر نویس.

۱. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - -- نظریه درباره
مهدویت. ۲. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - -- پیامها و
سخنرانیها. ۳. مهدویت - انتظار. الف. دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ب. عنوان. ج. عنوان:
مروری بر دیدگاه رهبری درباره حضرت مهدی (عج) و فلسفه انتظار.

۹۵۵/۰۸۴۴

DSR۱۶۹۲/م۹۵۴

م۸۳ - ۲۴۲۸۸

کتابخانه ملی ایران



دفتر مرکزی: یاسداران، خیابان شهید ناطق نوری، بوستان کتاب. تلفن: ۲۸۵۶۱۲۴

مرکز یخش و فروشگاه مرکزی: خیابان فردوسی، روبه روی فروشگاه شهر و روستا. تلفن فروشگاه: ۳۱۱۲۱۰۰

تلفن مرکز یخش: ۳۹۲۰۳۰۷

عنوان: آفتاب در سایه

نویسنده: حضرت آیت الله سید علی خامنه‌ای

چاپ اول: ۱۳۸۳

این کتاب در ۲۰۰۰ نسخه در چاپخانه دفتر نشر فرهنگ اسلامی لیتوگرافی، چاپ و صحافی شد.

همه حق چاپ محفوظ است.

شابک: ۹۶۴ - ۴۷۶ - ۰۸۸ - ۳

فروشگاه شماره یک: میدان انقلاب، بازارچه کتاب تلفن: ۶۴۶۹۶۸۵

فروشگاه شماره دو: میدان انقلاب، خیابان ۱۶ آذر تلفن: ۶۴۱۸۹۳۵

فروشگاه شماره سه: شمیران تلفن: ۲۷۱۳۳۵۱ فروشگاه شماره چهار: شریعتی تلفن: ۲۸۵۵۱۶۴

فروشگاه قم: خیابان ارم تلفن: ۷۷۳۸۱۵۰

فروشگاه مشهد: چهار راه شهداء، پشت باغ نادری، کوچه شهید خوراکیان، مجتمع گنجینه کتاب تلفن: ۲۲۱۴۸۳۱ - ۲

فهرست

۱	سخن ناشر
۹	تولد نور
۱۱	اهمیت نیمه شعبان
۱۲	مهدی، آرزو و آشنای همه
۱۵	ابعاد انتظار
۱۷	انتظار منفی
۱۹	آثار انتظار مثبت
۲۰	وظیفه منتظران
۲۳	امت امیدوار
۲۵	ایجاد زمینه‌های ظهور
۲۷	ضرورت و معنای عدالت
۲۹	عدالت محوری در حکومت مهدی (عج)
۳۱	درسهایی از میلاد موعود
۳۲	درس اول: به سوی صلاح
۳۴	درس دوم: همت به نابودی ظلم و جور

درس سوم: تجهیز نیرو و اقتدار.....	۳۵
درس چهارم: تشکیل و تقویت حکومت دینی	۳۷
درس پنجم: حضور مستمر و کارآمد در صحنه.....	۳۹
درس ششم: مردم سالاری دینی.....	۴۱
تکاپوی دشمنان.....	۴۳

سخن ناشر

بیانات حکمت‌آمیز و گهربار مقام معظم رهبری که به مناسبت‌های گوناگون در موضوعهای حساس و بیدارگر با مخاطبان گوناگون ایراد گردیده، نمونه بارزی از انسان‌سازی و نکته‌پردازی از فرهنگ قرآنی و معالم اسلامی و شیعی است که دریغ است با تتبع و شیوه علمی و تفکیک محورهای آن از گوش و چشم و دل مؤمنان روزگار و نسل عصر حاضر پوشیده بماند و طنین دل‌آویز و تَرَنَم معنویت آن به گوش حقیقت‌نیوشان مشتاق نرسد. در این مجموعه که از بیانات آن رهبر آزاده و هوشمند در محور ولایت، ویژه مناسبت‌های نیمه شعبان و ولادت سراسر موهبت ولی عصر، امام زمان (عج) تقریر گردیده، بهره‌ها می‌گیریم و پای زمزمه دلاویز و آگاهی‌بخش کلام آن بزرگوار می‌نشینیم؛ چرا که در آن از گونه‌گونه محورهای مهدی‌شناسی سخن به میان آمده و همگان از سرچشمه جوشان و زلال زندگانی جاودانه و پربرکت دوازدهمین اختر تابناک عصمت و

امامت کام جان خوش و شیرین می‌سازیم.

در این دیباچه، به کوتاهی تمام به قلّه‌های کلام مقام معظم رهبری اشارتی می‌کنیم و با این اشارتها به بشارت متن کلام دلنشین و مستند معظم‌له می‌رسیم.

محورهای کلی این مجموعه گرانمایه، چهره‌گشایی رهبر از جریان ولادت حضرت مهدی (عج)، وعده‌های الهی در باب استقرار عدل و داد در سراسر گیتی، شکوه و اهمیت نیمه‌شعبان، پیوند مؤمنان، دل‌بندان دوازدهمین اختر تابناک سمای ولایت و امامت، انتظار و تبلور امید و آرزوها و نیرومندی و تلاشهای حق‌پژوهانه، حضور معنوی و گسست‌ناپذیر آن بزرگوار در دل‌های شیفته و شیعیان جهان، وظیفه انتظارمندان و دل‌بندان امام در امروز و آینده، تصویر امت امیدوار به اجازت پروردگار؛ آنجا که امام چهره‌گشاید و از برنامه عدل جهان‌گستر پرده بردارد، گام‌های نخستین برای حاکمیت سراسری اسلام در ایران با استفاده از این نوید جاودان و فرمانروایی این دردانه زمان، ضرورت و معنای عدالت، درس‌هایی که باید از میلاد این موعود سعادت‌بخش بگیریم... همه موضوعات پر برکاتی است که در این دفتر از بیانات رهبری با ذکر زمان و مکان کلام بلاغت‌نشان ایشان در دسترس شیفتگان فرهنگ اسلامی شیعی و رامش و سعادت‌دو جهانی به یاری خدا استفاده می‌کنیم.

لازم به یادآوری است که شیوه و سبک‌شناسی/استفاده از متون و منابع فراوان و نفیس موضوع مهدویت و گسترش آن در میان ملت‌ها و آیین‌ها، به‌ویژه استفاده شخص ایشان از ارزنده‌ترین

تحقیقات و سخن‌شناسی و رعایت اقتضای حال زمان و زمانیان عصر، از چشمگیرترین خصیصه‌های این گفتارهاست که علاوه بر تحکیم عقاید در دل مؤمنان، برای گویندگان و نویسندگان نیز در این زمینه سبک و برداشتی بس مؤثر به دست داده است. در پرتو درخشان و نوازشگر انتظار فرج می‌فرمایند:

انتظار یکی از پربرکت‌ترین حالات انسان است؛ آن هم در انتظار دنیایی روشن از نور عدل و داد "يَمْلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا". خدای متعال به دست او سرزمین بشری و همه روی زمین را از عدالت و دادگستری پر خواهد کرد... یکی از ابعاد انتظار، اعتماد و امیدواری به آینده و مایوس نبودن است... که به انسان تعلیم می‌دهد تا در راه خیر و صلاح مبارزه کند... انتظار به معنای قانع نشدن به وضع موجود است... منتظریم تا ظرفیت نیکی عالم پر بشود.^۱

روز پرشکوه نیمه شعبان را، عید همه انسانها و مصداق وعده الهی برای برافراشتن علم سرفراز خدا در روی زمین توصیف می‌کنند:

روز ولادت مهدی موعود «ارواحناً لِثَرَابِ مَقْدَمِهِ الْفِدَاءِ»، حقیقتاً روز عید همه انسانهای پاک و آزاده جهان است... ما همین قدر می‌دانیم که وجود امام زمان، مصداق وعده الهی است... بازمانده خاندان وحی و رسالت، علم سرفراز خدا

تأکید استوار مقام معظم رهبری در جشنهای نیمه شعبان - زادروز موفورالشُرور امام زمان - علاوه بر شرکت همگان در مسرت سراپا لذت این آیین مقدس، بر این اصل است که چه درسهایی بر ما لازم است که از این عطیة الهی بگیریم. در این مورد سفارش مؤکد دارند که:

فراتر از همه این اظهار ارادتها و ابراز شور و مسرتها از این یاد و خاطرة تاریخی، «ما باید از این حادثه عظیم درس بگیریم. هر سال که این جشنها بر پا می شود و دلها را معطر می کند، اگر درسهای عمیق که در تجدید این خاطره وجود دارد، برای رفتارها و عمل، بتواند یک آموزه و معلّم به حساب بیاید، یقیناً پیشرفت جامعه ما به سمت کمال روان تر و سریع تر خواهد شد.»^۱

درس اوّل: یک درس از این درسها این است که همه بدانند و اذعان و باور کنند که حرکت عالم به سمت صلاح است؛ به سمت آفاق روشن است... مستکبران عالم هرچه می خواهند بگویند؛ تظاهر به قدرت نمایی بکنند؛ اما لشکر حق و حقیقت و کاروانی که بشریت را به سمت سرمنزل عدل و داد پیش می برد، روزبه روز در حال افزایش یافتن است... سعی کرده بودند یک روزی شعار توحید به کلی فراموش شود... اما امروز در این منطقه عالم این شعارها، شعارهای رسمی یک حکومت است؛

شعارهای رسمی ادارهٔ کشور و اتحاد ملت است. درس عملی دیگر این است که نابود کردن بنای ظلم در سطح جهان نه فقط ممکن است، بلکه حتمی است. این یأسی که گریبانگیر بسیاری از نخبگان دنیای امروز است، بی‌معناست. انسانها می‌توانند تلاش کنند و پرچم عدالت را - ولو در یک نقطهٔ محدود - بلند کنند... امام بزرگوار ما این یأس را از دلها پاک کرد و به مردم امید و شجاعت داد. نتیجه این شد که مردم به پا خاستند، نهضت کردند، تن به سختی دادند، مبارزه کردند، از جان خود دریغ نکردند و توانستند در این نقطه از عالم با عوامل ظلم و نظام ظالمانه و شیطانی مبارزه و آن را ریشه کن و سرنگون کنند.

درس دیگری که اعتقاد به مهدویت و جشنهای نیمهٔ شعبان باید بدهد، این است که عدالتی که ما در انتظار آن هستیم، در سطح همهٔ جهان است، در همین آیه: (لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ...) ^۱ خدای متعال همهٔ پیغمبران را فرستاده است برای این که قسط و عدل را در سراسر جهان مستقر کنند. لذا شما می‌بینید از روزی که نظام اسلامی به وجود آمد - یعنی اسلام مجهز به قدرت یک ملت بزرگ و امکانات یک کشور و دولت بزرگ شد - دشمنان اسلام حرکت اسلام را جدی گرفته و علاقه‌مندان و طرفداران اسلام هم در اطراف و اکناف عالم امیدوار شدند.

درس دیگر اعتقاد به مهدویت و جشنهای نیمه شعبان برای من و شما این است که هرچند این جشنها یک آرمان والاست و در آن هیچ شکی نیست؛ اما نباید مسئله را فقط به جنبه آرمانی آن ختم کرد... باید به دنبال آن عمل بیاید. انتظار برای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان آماده کنیم.

درس دیگر، مردم سالاری دینی است، و آن که حکومت آینده حضرت مهدی موعود (ارواحنا فداه) یک حکومت مردمی به تمام معناست. مردمی یعنی چه؟ یعنی متکی به ایمانها و ارادهها و بازوان مردم است. امام زمان تنها دنیا را پر از عدل و داد نمی کند، امام زمان از آحاد مؤمن مردم و با تکیه به آنهاست که بنای عدل الهی را در سراسر عالم استقرار می بخشد و یک حکومت صد درصد مردمی تشکیل می دهد.

مطالعه و به کار بستن تأکیدها و رهنمودهایی که در این مجموعه به مناسبت نیمه شعبان، از سخنان رهبر معظم انقلاب در مناسبتهای گوناگون فراهم آمده است، امید است به یاری خدای متعال ما را سودمند افتد و تعالی آینده نظام را تأمین نماید.

تولد نور

روز ولادت مهدی موعود (ارواحنا لتراب مقدّمه الفداء) حقیقتاً روز عید همه انسانهای پاک و آزاده عالم است.^۱ فقط کسانی در این روز ممکن است احساس شادی و خرسندی نکنند که یا جزو پایه‌های ظلم، یا جزو پیروان طواغیت و ستمگران عالم باشند و الا کدام انسان آزاده‌ای است که از گسترش عدالت، از برافراشته شدن پرچم دادگری و رفع ظلم در سراسر جهان، خرسند نشود و آن را آرزو نکند.^۲

۱. امام مهدی (عج) ۱۵ شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری در شهر سامراء چشم به جهان گشود. نام آن حضرت، نام پیامبر و کنیه‌اش کنیه پیامبر (ابوالقاسم) است. از القاب امام دوازدهم، می‌توان به: «حجت، خلف صالح، بقیة الله، قائم، صاحب الزمان و مهدی اشاره کرد، که لقب اخیر، مهم‌ترین آنها می‌باشد. نرجس خاتون که او را «سوسن»، «صقیل»، «ملیکه» و «ریحانه» هم می‌گویند، مادر آن حضرت می‌باشد و به علم، فضیلت و پاکدامنی شهرت دارد.

۲. سخنرانی به مناسبت ولادت حضرت مهدی (عج) و هفته بسیج،

دربارهٔ برکات این میلاد معظم و حقایقی که در باب وجود اقدس ولی عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) هست، من قادر نیستم سخن تازه‌ای بگویم. درک مراتب معنوی و حقایق الهی در باب این قطب اعظم عالم امکان و خلیفهٔ خدا و مظهر صفات و اسمای الهی، در حدّ زبان و بیان و قلب و فهم کسی همچون من قاصر نیست. خود آنها باید دربارهٔ امام زمان سخن بگویند؛ همچنان که خود آنها باید دربارهٔ علی بن ابی طالب (علیه الصّلاة والسلام) و بقیهٔ اولیا و اصفیای دین سخن بگویند. ما همین قدر می‌دانیم که وجود مقدّس امام زمان، مصداق وعدهٔ الهی است. همین قدر می‌دانیم که این بازماندهٔ خاندان وحی و رسالت، علّم سرافراز خدا در زمین است.

«السّلام علیک ایّها العلّم المنصوب و العلّم المصبوب و الغوث و الرّحمة الواسعة وعداً غیر مکتوب»^۱ او وعدهٔ الهی و مصداق لطف خدا بر انسانیت و بشریت است. او مستوره و نمونه‌ای از اولیا و اصفیا و انبیا و برجسته‌ترین بندگان خداست. او نمایشگر مبلّغ فضل الهی بر بنی آدم است. اینها چیزهایی است که خود آنان بیان فرمودند. اگر ما بتوانیم در حدّ فهم قاصر و ناقص خودمان، رشحاتی از این گفته‌ها را درک کنیم و بفهمیم، خیلی بُرد کرده‌ایم.^۲

۱. الاحتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۳ و بحار الانوار، علامة مجلسی، ج ۹۱، ص ۳۷، باب ۲۸ و ج ۹۹، صص ۹۳ - ۸۱، باب ۷.

۲. دیدار عمومی با اقشار مختلف مردم در روز نیمه شعبان، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱.

اهمیت نیمه شعبان

یکی از مهم‌ترین روزهای سال همین روز نیمه شعبان است که هم مصادف با ولادت ذی‌جود و مسعود حضرت بقیة‌الله (ارواحنا فداه) شده است و هم شب و روز نیمه شعبان - با قطع نظر از ولادت این بزرگوار در این شب و روز - از لیالی و ایام متبرک هستند. شب نیمه شعبان، شب بسیار متبرکی است؛ تالی تلو لیالی قدر، و وقت توجه و تذکر و توسل به ذیل عنایات باری تعالی و طلب و درخواست است.^۱ اعمال و ادعیه‌ای هم دارد که اگر موفق شده‌اید و آنها را انجام داده‌اید، ان‌شاء‌الله مشمول قبول پروردگار باشد. اگر کسانی هم غفلت کردند و توجه نداشتند، به یاد نگهدارند که همه سال، شب نیمه شعبان را مغتنم بشمارند.^۲ تفاوت عید ولادت حضرت بقیة‌الله با بقیة اعیاد اسلامی این است که اعیاد بزرگ، همه از گذشته حکایت می‌کنند؛ اما عید ولادت حضرت بقیة‌الله به آینده نوید می‌دهد. برای همین است که دل‌های مؤمنین به این روز بزرگ و این ولادت عظیم وابسته است.^۳

روز نیمه شعبان، روز امید و ایمان به آینده، روز مجاهدان پاکباز و صادق، و روز نگاه به آینده روشن و تلاش برای آن است.^۴

۱. ر.ک: کتاب مفاتیح‌الجنان، شیخ عباس قمی، باب فضیلت و اعمال شب و روز نیمه شعبان.

۲. در جمع اقشار مختلف مردم، به مناسبت نیمه شعبان، ۱۳۷۶/۹/۲۵.

۳. در اجتماع بزرگ مردم اصفهان، ۱۳۸۰/۸/۸.

۴. در اجتماع مردم نجف‌آباد، ۱۳۸۰/۸/۱۰.

مهدی، آرزو و آشنای همه

ارتباط قلبی یکایک مردم مؤمن با مقام ولایت عظمی و ولی الله اعظم، یکی از برکات است که از مشخص بودن مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در عقیده مردم ما ناشی می شود. ما علاوه بر اعتقاد بر اصل وجود مهدی و این که کسی خواهد آمد و دنیا را از عدل و داد پر خواهد کرد، شخص مهدی را هم می شناسیم و نام و کنیه و پدر و مادر و تاریخ ولادت و کیفیات غیبت و اصحاب نزدیک و حتی بعضی از کیفیات هنگام ظهور او را نیز می دانیم. اگرچه آن شخصیت درخشان و خورشید تابان را در برون و محیط زندگی خود نمی بینیم و او را تطبیق نمی کنیم، اما معرفت به حال او داریم.^۱

رابطه بین شیعیانی که این اعتقاد را دارند، با مقام ولایت و مهدی موعود، یک رابطه دایمی است و چقدر خوب و بلکه لازم است که یکایک ما، قلباً هم این رابطه را با توجه و توسل و حرف زدن با آن حضرت حفظ کنیم. طبق همین زیاراتی که وارد شده و بعضاً مأثور است و به احتمال زیاد به خود معصوم علیه السلام مستند می باشد، این رابطه قلبی و معنوی بین احاد مردم و امام زمان (عج) یک امر مستحسن، بلکه لازم و دارای اثری است؛ زیرا امید و انتظار را به طور دایم در دل انسان زنده نگه می دارد.^۲ امروز ذهنیت بشر، آماده آن است که بفهمد، بداند و یقین کند که انسان والایی خواهد آمد و بشریت را از زیر بارهای ظلم و

۱. دیدار با مسئولین و خانواده شهدا، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.

۲. همان.

مهدی، آرزو و آشنای همه / ۱۳

ستم نجات خواهد داد. همان چیزی که همه پیغمبران برای آن تلاش کرده‌اند؛ همان چیزی که پیغمبر اسلام در آیه قرآن، وعده آن را به مردم داده است؛ «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ...»^۱ دست قدرت الهی به وسیله یک انسان عرشی، یک انسان خدایی، یک انسان متصل به عالمهای غیبی - معنوی و عوالمی که برای انسانهای کوتاه‌فکری مثل ما، قابل درک و تشخیص نیست، می‌تواند این آرزو را برای بشریت برآورده کند. لذا دلها، شوقها و عشقها به سمت آن نقطه، متوجه و روز به روز متوجه‌تر است...

... ما به زمان ظهور امام زمان (ارواحنا فداه) - این محبوب انسانها - نزدیک شده‌ایم؛ زیرا معرفتها پیشرفت کرده است... آرزوی همه بشر، وجود چنین عنصر والایی است. عقده‌های فروخورده انسانها در طول تاریخ، چشم به انتهای این افق دوخته است، تا انسان والا و برگزیده‌ای از برگزیدگان خدا بیابد، تار و پود ظلم و ستم را - که انسانهای شریر در همه تاریخ تنیده‌اند - از هم بدرد.^۲ یکی از آن سربندها در مفاهیم معرفتی ما همین مسئله امام زمان است؛ اصلاً مسئله مهدویت یکی از آن مسائل محوری و به اصطلاح سربند است که از آن رشته‌هایی منشعب می‌شود و خیلی از دشمنان به فکر افتادند که آن را از بین ببرند؛ یعنی این فکر را تضعیف و یا نابود کنند.^۳

۱. اعراف / ۱۵۷.

۲. سخنرانی به مناسبت ولادت حضرت مهدی، ۱۳۷۸/۹/۳.

۳. در دیدار مسئولان نهضت سوادآموزی، ۱۳۸۰/۱۰/۶.

البته اعتقاد به ظهور مهدی در دورانی از تاریخ، مخصوص شیعه نیست؛ همه مسلمانان - اعم از شیعه و سنی به این معنا معتقدند؛ بلکه غیرمسلمانان هم به یک صورت معتقدند. منتها امتیاز شیعه در این است که این شخصیت نجات بخش بشریت را با نام و نشان و خصوصیات می شناسد و معتقد است که او همواره برای دریافت دستور الهی، حاضر و آماده است. هر وقت پروردگار عالم به او دستور دهد، او آماده شروع آن کار عظیمی است که بناست بشریت و تاریخ را متحول کند. آنچه ما به عنوان یک درس و تعلیم معرفتی و عملی از این قضیه باید بگیریم، مهم است.^۱

همه بشریت متدین، منتظر مصلح است و همه مسلمین، منتظر مهدی موعودند و خصوصیت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه و ارواحنا فداه) در نظر مسلمانان این است که: «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا»^۲ عدل و داد،

۱. در دیدار با مردم به مناسبت نیمه شعبان، مصلای تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

۲. شیخ صدوق در کتاب خود، از طریق سلسله راویان از ابن عباس نقل می کند که پیامبر فرمود: به تحقیق، علی بن ابی طالب پیشوای امت و بعد از من جانشین من بر آنان است. یکی از فرزندان وی، قائم منتظر می باشد که خداوند بزرگ به وسیله او زمین را از عدل و داد پر می کند؛ همچنان که از ظلم و جور پر شده باشد. قسم به خدایی که مرا بحق برای بشارت برانگیخت، به یقین کسانی که در زمان غیبت، نسبت به امام قائم (عج) ثابت قدم بمانند، از یاقوت سرخ عزیزتر و کمیاب ترند. در این هنگام جابر بن عبد الله انصاری برخاست و پرسید: یا رسول الله! آیا برای فرزندت، غیبت هم رخ خواهد داد؟ پیامبر (ص) فرمود: بلی. سوگند به خدا «وَلِيُمَخِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ» (آل عمران، ۱۴۱) تا بدین

استقرار عدالت در جامعه، از بین بردن ظلم از سطح زمین
خصوصیت مهدی موعود است.^۱

ابعاد انتظار

انتظار، یکی از پربرکت‌ترین حالات انسان است. آن هم در انتظار
دنیاپی روشن از نور عدل و داد. «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ
عَدْلًا»^۲ خدای متعال به دست او، سرزمین بشری و همه روی
زمین را از عدالت و دادگستری پر خواهد کرد. انتظار چنین
روزی را باید داشت. نباید اجازه داد که تصرف شیطانها و ظلم و
عُدوان طواغیت عالم، شعله امید را در دل خاموش کند. باید

آزمایش، اهل ایمان و معرفت از هر عیب و نقصی پاک و کامل شوند و
کافران نیز به سزای اعمالشان رسند. سپس آن حضرت ادامه داد: ای
جابر! به یقین مسئله غیبت یکی از امرهای خدای سبحان و سرنوشتی از
اسرار اوست که حقیقت آن بر بندگان پوشیده می‌باشد. پس، از شک در
امر خدای متعال بر حذر باش! زیرا این شک مساوی با کفر است.

اکمال الدین و اتمام النعمه، شیخ صدوق، ج اول، ص ۲۸۷، حدیث ۷ و
کشف الغمّه، علامه اربلی، ج ۲، ص ۵۲۱ و بحارالانوار، علامه مجلسی ج
۵۱، ص ۷۳، باب اول، حدیث ۱۸.

همچنین آیه‌الله ابوطالب تجلیل تبریزی در کتاب مَنْ هُوَ الْمَهْدِيّ با
استفاده از نصوص و احادیث متواتر به تعیین شخص آن بزرگوار و فرد فرد
اجداد او از پدر تا پیامبر اکرم (سلام الله عليهم اجمعين) پرداخته است.
این کتاب توسط جامعه مدرسین حوزه علمیه قم انتشار یافته و ترجمه
فارسی آن به قلم جلیل تجلیل به وسیله انتشارات سروش (تهران ۱۳۸۲)
به چاپ رسیده است.

۱. در دیدار با سپاهیان به مناسبت میلاد امام حسین علیه السلام و روز پاسدار،
۱۳۶۸/۱۲/۱۰.

۲. بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۳۱۶، باب ۴۱، حدیث ۱۶۲ و ج ۳۸، ص ۱۲۶،
باب ۶۱، حدیث ۷۶.

انتظار کشید. انتظار، چیز عجیبی است و دارای ابعاد گوناگونی می‌باشد. یکی از ابعاد انتظار، اعتماد و امیدواری به آینده و مأیوس نبودن است. همین روح انتظار است که به انسان تعلیم می‌دهد تا در راه خیر و صلاح مبارزه کند. اگر انتظار و امید نباشد، مبارزه معنی ندارد و اگر اطمینان به آینده هم نباشد، انتظار معنی ندارد. انتظار واقعی با اطمینان و اعتماد ملزم است. کسی که شما می‌دانید خواهد آمد، انتظارش را می‌کشید و انتظار کسی که به آمدنش اعتماد و اطمینان ندارید، انتظاری حقیقی نیست. اعتماد، لازمه انتظار است و این هر دو، ملازم با امید است، و امروز این امید، امری لازم برای همه ملت‌ها و مردم دنیا می‌باشد.^۱

معنای صحیح انتظار، دارای ابعادی است که توجه به این ابعاد برای کسی که می‌داند در فرهنگ اسلام و شیعه، چقدر به انتظار اهمیت داده شده، بسیار جالب است. یک بُعد، این است که انتظار به معنای قانع نشدن به وضع موجود است. «انتظار داریم»، یعنی هرچه خیر و عمل خوب انجام دادیم و به وجود آمده، کم و غیرکافی است و منتظریم تا ظرفیت نیکی عالم پر بشود. یک بُعد دیگر از ابعاد انتظار، دلگرمی مؤمنین نسبت به آینده است. انتظار مؤمن، یعنی این که تفکر الهی - این اندیشه روشنی که وحی بر مردم عرضه کرده است - یک روز سراسر زندگی بشر را فرا خواهد گرفت. یکی بُعد انتظار این است که منتظر، با شوق و امید حرکت کند. انتظار یعنی امید. انتظار،

۱. در دیدار با مسئولان و خانواده شهدا، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.

ابعاد گوناگون دیگری هم دارد...^۱ انتظار یعنی دل سرشار از امید بودن/نسبت به پایان راه زندگی بشر. ممکن است کسانی آن دوران را نبینند و نتوانند درک کنند، فاصله هست؛ اما بلاشک آن دوران وجود دارد.^۲

انتظار منفی

من فقط یک جمله در باب انتظار عرض می‌کنم. این که در روایات ما وارد شده است که افضل اعمال امت، انتظار فرج است،^۳ یعنی چه؟ مگر انتظار چیست؟ انتظار ظهور حضرت ولی‌الله‌الاعظم (ارواحنا فداه)، مگر چه مضمون و چه معنایی در بطن خود دارد که این قدر دارای فضیلت است؟ یک معنای انحرافی در باب انتظار بود که خوشبختانه امروز از آن فهم و برداشت غلط، اثر چندانی نیست. کسانی که مغرض و یا نادان بودند، این‌طور به مردم یاد داده بودند که انتظار، یعنی این که شما از هر عمل مثبت و از هر اقدام و هر مجاهدت و هر اصلاحی دست بکشید و منتظر بمانید تا صاحب عصر و زمان، خودش بیاید و اوضاع را اصلاح کند و مفاسد را برطرف نماید. انقلاب، این منطق و معنای غلط و برداشت باطل را، یا کمرنگ کرد و

۱. دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱.

۲. در اجتماع مردم قم به مناسبت میلاد حضرت مهدی (عج)، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.

۳. در این مضمون، روایات زیادی از پیامبر، حضرت امیرالمؤمنین و سایر معصومین علیهم‌السلام نقل شده است و مرحوم علامه مجلسی باب ۲۲ از جلد ۵۲ بحارالانوار را به این احادیث اختصاص داده است.

یا از بین برد. پس بحمدالله این معنا، امروز در ذهن جامعه ما نیست.^۱

اعتقاد به امام زمان، به معنای گوشه گیری نیست. جریانهای انحرافی قبل از انقلاب تبلیغ می کردند، الآن هم در گوشه و کنار تبلیغ می کنند که امام زمان می آید و اوضاع را درست می کند؛ ما امروز دیگر چه کار کنیم؟! چه لزومی دارد ما حرکتی بکنیم؟! این مثل آن است که در شب تاریک، انسان چراغ روشن نکند، چون فردا بناست خورشید عالمتاب بیاید و روز بشود و همه دنیا را روشن کند. خورشید فردا، ربطی به وضع کنونی من و شما ندارد. امروز اگر ما می بینیم در هر نقطه دنیا، ظلم و بی عدالتی و تبعیض و زورگویی وجود دارد، اینها همان چیزهایی است که امام زمان (عج) برای مبارزه با آنها می آید. اگر ما سرباز امام زمانیم، باید خود را برای مبارزه با اینها آماده کنیم.^۲

خود اقامی آید انجام می دهد، یعنی چه؟ امروز تکلیف شما چیست؟ شما امروز باید چه بکنی؟ شما باید زمینه را آماده کنی تا آن بزرگوار بتواند بیاید و در آن زمینه آماده، اقدام بکند. از صفر که نمی شود شروع کرد! جامعه ای می تواند پذیرای مهدی موعود (ارواحنا فداه) باشد که در او آمادگی و قابلیت باشد؛ والّا مثل انبیا و اولیای طول تاریخ می شود.^۳

۱. دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱.

۲. دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان در مصلاهی تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

۳. در جمع اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان، ۱۳۷۶/۹/۲۵.

آثار انتظار مثبت

چند خصوصیت در این عقیده مهدویت هست که این خصوصیات برای هر ملّتی، در حکم خون در کالبد و در حکم روح در جسم است. یکی امید است. گاهی اوقات دستهای قلدر و قدرتمند، ملّتهای ضعیف را به جایی می‌رسانند که امیدشان را از دست می‌دهند. وقتی امید را از دست دادند، دیگر هیچ اقدام نمی‌کنند؛ می‌گویند چه فایده‌ای دارد؟ ما که دیگر کار از کارمان گذشته است؛ با چه کسی در بیفتیم؟ چه اقدامی بکنیم؟ برای چه تلاش بکنیم؟ ما که دیگر نمی‌توانیم... اعتقاد به مهدویت، به وجود مقدّس مهدی موعود (ارواحنا فداه) امید را در دلها زنده می‌کند.^۱

عقیده به امام زمان، نمی‌گذارد مردم تسلیم بشوند؛ به شرطی که این عقیده را درست بفهمند. وقتی که این عقیده به طور حقیقی در دلها جا بگیرد، حضور امام غایب در میان مردم حس می‌شود. امام بزرگوار و عزیز و معصوم و قطب عالم امکان و ملجأ همه خلایق، اگرچه غایب است و ظهور نکرده؛ اما حضور دارد. مگر می‌شود حضور نداشته باشد؟ مؤمن، این حضور را در دل خود و با وجود و حواس خویش، حس می‌کند. آن مردمی که می‌نشینند، راز و نیاز می‌کنند و دعای ندبه را با توجه می‌خوانند، زیارت آل یاسین را زمزمه می‌کنند و می‌نالند، می‌فهمند چه می‌گویند. آنها حضور این بزرگوار را حس می‌کنند، ولو هنوز ظاهر نشده و غایب است. غیبت او، به احساس حضورش ضرری

نمی‌زند. ظهور نکرده است؛ اما هم در دلها و هم در متن زندگی ملت حضور دارد. مگر می‌شود، حضور نداشته باشد؟!

شیعه خوب کسی است که این حضور را حس کند و خود را در حضور او احساس نماید. این، به انسان امید و نشاط می‌بخشد. این ملت بزرگ، بیش از همه چیز به همین امید نیاز دارد. ملتی که در راه خدا و برای عظمت اسلام، مجاهدت و مبارزه می‌کند و افتخار طول تاریخ بشر و همه تاریخ اسلام شده و پرچم اسلام را در زمان ما به اهتزاز درآورده است. چنین ملتی، بیشتر از همه چیز به همین امید درخشان احتیاج دارد. آن اعتقاد، این امید را به او می‌بخشد.^۱

وظیفه منتظران

بزرگ‌ترین وظیفه منتظران امام زمان (عج) این است که از لحاظ معنوی و اخلاقی و عملی، و پیوندهای دینی و اعتقادی و عاطفی با مؤمنین، و همچنین برای پنجه در افکندن با زورگویان، خود را آماده کنند. کسانی که در دوران دفاع مقدس، سر از پا نشناخته در صفوف دفاع مقدس شرکت می‌کردند، منتظران حقیقی بودند. کسی که وقتی کشور اسلامی مورد تهدید دشمن است، آماده دفاع از ارزشها و میهن اسلامی و پرچم برافراشته اسلام است، او می‌تواند ادعا کند که اگر امام زمان بیاید، پشت سر آن حضرت در میدانهای خطر قدم خواهد گذاشت. اما کسانی که در

۱. در جمع اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان،

مقابل خطر، انحراف و چرب و شیرین دنیا، خود را می‌بازند و زانوانشان سست می‌شود، کسانی که برای مطامع شخصی خود حاضر نیستند هیچ حرکتی را که مطامع آنها را به خطر می‌اندازد، انجام دهند، اینها چطور می‌توانند منتظر امام زمان به حساب بیایند؟ کسی که در انتظار آن مصلح بزرگ است، باید در خود زمینه‌های اصلاح را آماده کند و کاری کند که بتواند برای تحقق صلاح بایستد.^۱

ما ملّتی منتظر هستیم، ملّتی که به امید پیشرفت و موفقیت، اقدام و تلاش و انقلاب کرد و موفق شد. ما امروز برای انتظار، باید باب بخصوصی در زندگی خود باز کنیم. حقیقتاً ملّت ما باید روح انتظار را به تمام معنا در خود زنده کند. «ما منتظریم» یعنی این امید را داریم که با تلاش و مجاهدت و پیگیری، این دنیایی که به وسیله دشمنان خدا و شیاطین، از ظلمات جور و طغیان و ضعیف‌کشی و نکبت حاکمیت ستمگران و قلدران و زورگویان پر شده است، در سایه تلاش و فعالیت بی‌وقفه ما، یک روز به جهانی تبدیل خواهد شد که در آن، انسانیت و ارزشهای انسانی محترم است و ستمگر و زورگو و ظالم و قلدر و متجاوز به حقوق انسانها، فرصت و جایی برای اقدام و انجام خواسته و هوی و هوس خود، پیدا نخواهد کرد، این روشنایی، در دیدگاه ما نسبت به آینده وجود دارد.

۱. در دیدار با اقشار مختلف مردم، نیمه شعبان، مصلاّی تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

ما ملت ایران باید به این معنای انتظار، بیش از گذشته تکیه کنیم، چون دنیای بشری به انتظاری که ما داریم، محتاج است. این امیدی که در دل ملت ایران وجود داشت و در سایه آن توانست این کارهای بزرگ را انجام بدهد، ملتهای ضعیف و مظلوم دنیا، امروز به این امید احتیاج دارند؛ آنها هم باید این امید را پیدا کنند. اگر پیدا کردند و نور امید در دل ملتها تابید، کارهای دنیا اصلاح خواهد شد و مشکل ملتهای مظلوم - اگر نگوییم به صورت کامل - به صورت معتنا بهی - ولو در طول چند سال - حل خواهد شد. اما اگر این امید در دلها نتابید و همان طوری که شیطانها خواستند مردم مأیوس باشند، ملتها مأیوس بمانند، روز به روز وضع بدتر خواهد شد.^۱

آرمان بلند ملت ایران همان چیزی است که شما از ظهور طلعت مهدی آل محمد انتظار دارید؛ یعنی عدل الهی و تجسم جامعه عادلانه؛ جامعه‌ای که انسان بتواند از خط انحرافی‌ای که دنیای مادی در مقابل او ترسیم کرده، خود را نجات دهد. منتها در مورد ظهور مهدی موعود (ارواحنا فداه) این وعده به نهایت خود خواهد رسید. حرکت شما، قدمی بلند به سوی تحقق این وعده است. کارها در دنیا به تدریج انجام می‌گیرد. حرکت ما باید برای ایجاد این جامعه عادلانه باشد. همت ما باید ایجاد جامعه‌ای باشد که باطن آن، توحید، آرایش آن، عدل، جهت‌گیری آن، اجرای خط الهی و خط انبیاء در طول تاریخ، و بنای آن

۱. در دیدار با مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱.

براساس برخورداری انسان از آرزوی دیرین همیشگی اش است؛ یعنی با تربیت عدالت بتواند حقیقت وجود خود را بروز دهد و به ظهور برساند. در این هدف، تشکیل جامعه آباد، ایجاد ثروت عمومی، پیشرفت علمی و برخورداری انسان از تمام مواهب و مزایای طبیعی وجود دارد.^۱

امّت امیدوار

همه مسلمانان، حقیقت مهدی موعود را از طریق روایات خدشه ناپذیری که از نبی اکرم ﷺ و اولیای دین رسیده است، قبول دارند.^۲ اما این حقیقت در هیچ جای جهان اسلام مثل محیط زندگی ملت عزیز ما و شیعیان، این برجستگی و این چهره درخشان و این روح پر تپش و پر امید را ندارد. این به خاطر آن است که ما به برکت روایات متواتره خودمان، شخص مهدی موعود را با خصوصیاتش می شناسیم... مردم ما، ولی الله اعظم و

۱. در دیدار با رزمندگان لشکر ۱۴ امام حسین، سپاه پاسداران، ۱۳۸۰/۸/۱۴.

۲. درباره وجود، غیبت و ظهور حضرت مهدی (عج)، علاوه بر علمای شیعه، احادیث بسیاری از طریق پیشوایان اهل سنت در کتب: صحیحین بخاری و مسلم و سنن ترمذی، نسایی، ابوداود و ابن ماجه منقول می باشد. علاوه بر این، شخصیت های برجسته آنان، مانند: احمد حنبل، ابوالقاسم طبرانی، ابونعیم اصفهانی و... احادیث امام مهدی را حافظ و ناقل بوده اند. حتی برخی از آنان مثل ابونعیم اصفهانی و ابی حجر عسقلانی، در اخبار و علامات ظهور کتاب مستقل نوشته اند. مرحوم آیت الله العظمی سید صدرالدین صدر، بعضی از این احادیث را که از طریق اهل سنت درباره امام مهدی نقل شده، در کتابی تحت عنوان «المهدی» گرد آورده است.

جانشین خدا در زمین و بقیۀ اهل بیت پیامبر را با نام و خصوصیات می‌شناسند. از لحاظ عاطفی و فکری با او ارتباط برقرار می‌کنند. به او می‌گویند؛ به او شکوه می‌برند؛ از او می‌خواهند و آن دوران آرمانی - دوران حاکمیت ارزشهای والای الهی بر زندگی بشر - را انتظار می‌برند. این انتظار، دارای ارزش زیادی است. این انتظار به معنای آن است که وجود ظلم و ستم در عالم، چشمۀ امید را از دلهای منتظران نمی‌زداید و خاموش نمی‌کند. اگر این نقطۀ امید در زندگی جمعیتی نباشد، چاره‌ای ندارد جز این که به آیندۀ بشریت بدبین باشد... دورانی خواهد رسید که قدرت قاهرۀ حق، همه قله‌های فساد و ظلم را از بین خواهد برد و چشم‌انداز زندگی بشر را با نور عدالت منور خواهد کرد. معنای انتظار دوران امام زمان، این است.^۱

امروز وجود مقدس حضرت حجت (ارواحنا فداه) در میان انسانهای روی زمین، منبع برکت، منبع علم، منبع درخشندگی، زیبایی و همه خیرات است. چشمهای ناقابل و تیره ما آن چهرۀ ملکوتی را از نزدیک نمی‌بیند؛ اما او مثل خورشیدی درخشان است؛ با دلها مرتبط و با روحها و باطنها متصل است و برای انسانی که دارای معرفت باشد، موهبتی از این برتر نیست که احساس کند ولی خدا، امام برحق، عبد صالح، بنده برگزیده در میان همه بندگان عالم و مخاطب به خطاب خلافت الهی در زمین، با او و در کنار اوست؛ او را می‌بیند و با او مرتبط/است.^۲

۱. در اجتماع بزرگ مردم قم، نیمۀ شعبان، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.

۲. در جشن بزرگ منتظران ظهور، همزمان با هفته بسیج، ۱۳۷۸/۹/۳.

ایجاد زمینه‌های ظهور

مسئله ولادت حضرت مهدی (علیه الصلوة و السلام و عجل الله تعالی فرجه الشریف) از این جهت هم حایز اهمیت است که مسئله انتظار و دوران موعود را که در مذهب ما - بلکه در دین مقدس اسلام - ترسیم شده است، - دوران موعود آخرالزمان، دوران مهدویت - ما به یاد بیاوریم، روی آن تکیه کنیم و بر روی آن مطالعه و دقت و بحث‌های مفیدی انجام بگیرد.^۱

اولین قدم برای حاکمیت اسلام و برای نزدیک شدن ملت‌های مسلمان به عهد ظهور مهدی موعود (ارواحنا فداه و عجل الله فرجه) به وسیله ملت ایران برداشته شده است و آن، ایجاد حاکمیت قرآن است... برای ظهور مهدی موعود (ارواحنا فداه) زمینه باید آماده بشود و آن عبارت از عمل کردن به احکام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام است... قبل از ظهور مهدی موعود، در میدان‌های مجاهدت، انسان‌های پاک امتحان می‌شوند؛ در کوره‌های آزمایش وارد می‌شوند و سربلند بیرون می‌آیند و جهان به دوران آرمانی و هدفی مهدی موعود (ارواحنا فداه) روزبه‌روز نزدیک‌تر می‌شود.^۲

إن شاء الله همه شما و همه ما، هم این توفیق را پیدا کنیم که روزی در رکاب آن بزرگوار باشیم، برای خدا تلاش و مجاهدت کنیم، در مقابل چشم آن بزرگوار در راه خدا جانمان را از دست بدهیم و به فیض شهادت برسیم - بزرگ‌ترین شرف و افتخار

۱. در جمع اقشار مختلف مردم، نیمه شعبان، ۱۳۷۶/۹/۲۵.

۲. در اجتماع بزرگ مردم قم، نیمه شعبان، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.

همین است - هم تا قبل از ظهورشان، در زمان غیبت، خدای متعال توفیق بدهد که ماسربازان آن بزرگوار، متوسل و متذکر آن بزرگوار باشیم؛ انس و رابطه قلبی و روحی با آن بزرگوار داشته باشیم.^۱

جوانان عزیز، بسیجیان! یکی از آن خورشیدهای فروزان، به فضل و کمک پروردگار و به اراده الهی، امروز در زمان ما به عنوان بقیة الله فی أرضه، به عنوان حجة الله علی عباده، به عنوان صاحب زمان و ولی مطلق الهی در روی زمین وجود دارد. برکات وجود او، انوار ساطعة از وجود او، امروز هم به بشر می رسد.^۲

پس می شود زمینه ها را فراهم کرد. وقتی یک چنین زمینه هایی ان شاء الله گسترش پیدا کند، زمینه ظهور حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) نیز پدید می آید و مسئله مهدویت - آن آرزوی دیرین بشر و مسلمین - تحقق پیدا می کند.^۳

این زمینه ها وقتی آماده شد، آن وقتی که معلوم شد در مقابل قدرت مادی مستکبران عالم زمینه این وجود دارد که احاد بشر بتوانند بر روی حرف حق خود بایستند، آن روز، روز ظهور امام زمان است. آن روز، روزی است که منجی عالم بشریت به فضل پروردگار ظهور کند و پیام او همه دل های مستعد را که در همه جای جهان هستند، به خود جذب کند، و آن وقت، دیگر قدرتهای ستمگر، قدرتهای زورگو، قدرتهای متکی به زر و زور

۱. در جمع اقشار مختلف مردم، نیمه شعبان، ۱۳۷۶/۹/۲۵.

۲. در اجتماع بزرگ جشن منتظران ظهور، هفته بسیج، ۱۳۷۸/۹/۳.

۳. در جمع اقشار مختلف مردم، نیمه شعبان، ۱۳۷۶/۹/۲۵.

نتوانند حقیقت را - آن چنانی که قبل از آن همیشه کرده‌اند - با فشار زر و زور خود به عقب بنشانند یا مکتوم نگه دارند. شما مردم عزیز - بخصوص شما جوانها - هرچه که در صلاح خود، در معرفت و اخلاق و رفتار و کسب صلاحیتها در وجود خودتان بیشتر تلاش کنید، این آینده را نزدیک‌تر خواهید کرد. اینها دست خود ماست. اگر ما خودمان را به صلاح نزدیک کنیم، آن روز نزدیک خواهد شد. همچنان که شهدای ما با فدا کردن جان خودشان آن روز را نزدیک کردند. آن نسلی که برای انقلاب آن فداکاریها را کردند، با فداکاریهای خودشان آن آینده را نزدیک‌تر کردند، هرچه ما کار خیر و اصلاح درونی خود و تلاش برای اصلاح جامعه انجام بدهیم، آن عاقبت را دائماً نزدیک‌تر می‌کنیم.^۱

البتة وعدة الهی حق است و استقرار عدل جهانی در دوران ظهور حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) انجام خواهد گرفت؛ اما یک ملت مؤمن و مبارز می‌تواند زمینه را برای تشکیل آن حکومت فراهم کند؛ همچنان که ملت ایران تاکنون توانسته و بر خیلی از مشکلات فایق نیز آمده است.^۲

ضرورت و معنای عدالت

مظهر عدل پروردگار، امام زمان (عج) است و می‌دانیم که بزرگ‌ترین خصوصیت امام زمان (علیه الصلوة و السلام) که در

۱. سخنرانی در سالروز میلاد امام مهدی (عج)، ۱۳۷۹/۸/۲۲.

۲. در مراسم بیعت اقشار مردم و مسئولین استان خراسان و شهر مشهد، ۱۳۶۸/۴/۸.

دعاها و زیارات و روایات آمده است، عدالت می باشد: «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا.» ما باید امروز جامعه را جامعه عدالت بکنیم. در بنای یک جامعه، عدالت از هر چیز مهم تر است. عدالت به معنای عدم تبعیض در حقوق و حدود و احکام است. عدالت، یعنی کمک به مردم محروم و ضعیف. عدالت، یعنی این که برنامه ها و حرکت کلی کشور، در جهت تأمین زندگی مستضعفان باشد. عدالت به معنای این است که کسانی که در زیر سایه سنگین نظام طاغوتی از حقوق خود محروم مانده اند، به حقوقشان برسند. عدالت یعنی این که عده خاصی برای خودشان حق ویژه ای قایل نباشند. عدالت یعنی این که حقوق انسانی و اجتماعی و عمومی و حدود الهی، یکسان بر مردم اجرا شود. اگر جلوی کسانی که با تکیه بر فریب و زور و یا بر اساس کارهای ناصحیح و مبتنی بر عقلهای مادی و منحرف از معنویت، توانسته اند به چیزهایی که حق آنها نبوده است، دست پیدا کنند، گرفته شود تا فرصتی برای ادامه کار خود پیدا نکنند، عدالت تحقق پیدا کرده است.^۱

ما در این راه به کمکها و امدادهای غیبی الهی و به دعای ولی عصر (ارواحنا فداه) معتقد و متکی هستیم. ما عقیده داریم که دعای آن حضرت دلهای ما را محکم و استوار می کند و راه را بر ما می گشاید.^۲

۱. در دیدار با مسئولان و جمعی از خانواده های شهدا، نیمه شعبان، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.

۲. در دیدار و بیعت مردم استان همدان و شهرهای ساری و ساوه، ۱۳۶۸/۴/۵.

عدالت محوری در حکومت مهدی (عج)

هدف حکومت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آخر زمان هم باز همین عدل است. وقتی شما روایات مربوط به امام زمان (عج) و همچنین دعاها و زیارتهای مربوط به ایشان را می خوانید، می بینید که روی چه چیزی تکیه می شود: «و أنت الذی تملأ الأرض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً»^۱ کلمه «بعد» در یکی دو دعا بیشتر نیست. من یک وقت در نماز جمعه گفتم که «تملاً الأرض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً» را در جایی پیدا نکردم. گفتم: به جز دو جا در روایات «کما ملئت ظلماً و جوراً» آمده است. یکی از آن دو جا، زیارت غیرمعتبری است و دیگری که زیارت نسبتاً خوبی است، سند درستی ندارد. «سلام الله کامل التام» آنجا هم «بعد ما ملئت ظلماً و جوراً» است. در همه این روایات و دعاها، مسئله آمدن امام زمان (عج) معلل به این شده که آن بزرگوار بیاید و در دنیا قسط و عدل بیاورد. اصلاً مشکل دنیا در این است که قسط و عدل نیست. مشکل دنیا روز به روز هم زیادتر می شود.^۲

لیکن در بین همه این جنجالها، ما شعله های ظلم و جور و نظام ظالمانه و استکبار را مشاهده می کنیم که روزبه روز مشتعل تر می شود، «کما ملئت ظلماً و جوراً». الآن دنیا از ظلم و

۱. ر. ک: مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، باب اول در ادعیه و زیارات، استغاثه به امام زمان، که با جمله «سلام الله کامل التام...» آغاز می شود.

۲. در دیدار با مسئولان نظام به مناسبت یازدهمین سالگرد پیروزی انقلاب، ۱۳۶۸/۱۱/۹.

جور پر شده و واقعاً ملت‌ها پناهی ندارند. اگر ما خودمان را در سایهٔ اسلام حفظ کنیم، می‌توانیم پناه ملت‌ها باشیم. بنابراین، هدف بزرگ پیامبران و هدف قیام ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تأمین عدالت اجتماعی است. اولین ارزش در نظام ما از لحاظ عملی، باید تأمین عدالت اجتماعی باشد.^۱

دنیای سرشار از عدالت، پاکی و راستی و معرفت و محبت، دنیای دوران امام زمان (عج) است که زندگی بشر هم از آنجا به بعد است. زندگی حقیقی انسان در این عالم، مربوط به دوران بعد از ظهور امام زمان است که خدا می‌داند بشر در آنجا به چه عظمت‌هایی نایل خواهد شد.^۲

شما برادران و خواهران توجه دارید که برجسته‌ترین شعار مهدویت عبارت است از عدالت. مثلاً در دعای ندبه، وقتی شروع به بیان و شمارش صفات آن بزرگوار می‌کنیم، بعد از نسبت او به پدران بزرگوار و خاندان مطهرش، اولین جمله‌ای که ذکر می‌کنیم، این است: «أَيْنَ الْمَعْدُ لِقَطْعِ دَائِرِ الظُّلْمِ، أَيْنَ الْمُنْتَظَرُ لِإِقَامَةِ الْأُمْتِ وَالْعَوَجِ، أَيْنَ الْمُرْتَجَى لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ».^۳ یعنی دل بشریت می‌تپد تا آن نجات‌بخش بیاید و ستم را ریشه کن کند، بنای ظلم را - که در تاریخ بشر از زمانهای گذشته همواره وجود داشته و امروز هم با شدت وجود دارد - ویران کند و

۱. همان.

۲. بخشی از خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۱/۲۶.

۳. کجاست کسی که زمینه را برای ریشه کن کردن ستمکاران آماده می‌کند. کجاست آن منتظری که کجی را راست می‌کند. کجاست آن جایگاه امید برای سرنگونی ستم و بیدادگری؟

ستمگران را سر جای خود بنشانند. این اولین درخواست منتظران مهدی موعود، از ظهور آن بزرگوار است. یا در زیارت آل یاسین، وقتی خصوصیات آن بزرگوار را ذکر می‌کنید، یکی از برجسته‌ترین آنها این است که «الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عدلاً و قِسْطاً كَمَا مِلْتَّ ظُلماً و جوراً». انتظار، این است که او همه عالم - نه یک نقطه - را سرشار از عدالت کند و قسط را در همه جا مستقر نماید. در روایاتی هم که درباره آن بزرگوار هست، همین معنا وجود دارد. بنابراین انتظار منتظران مهدی موعود، در درجه اول، انتظار استقرار عدالت است.^۱

درد بزرگ بشریت، امروز همین مسئله فقدان عدالت است. همیشه دستگاه‌های ظلم و جور در سطح دنیا به شکل‌های مختلف بر مردم جفا کرده‌اند؛ بشریت را زیر فشار قرار داده‌اند و انسانها را از حقوق طبیعی خود محروم کرده‌اند. اما امروز این معنا از همیشه تاریخ بیشتر است و رفع این را انسان از ظهور مهدی موعود می‌طلبد و انتظار می‌برد. بنابراین مسئله، مسئله طلب عدالت است.^۲

درس‌هایی از میلاد موعود

جشن میلاد حضرت حجت (عجل الله فرجه و ارواحنا فداه) برای عموم شیعیان، بلکه همه عدالت‌خواهان عالم، یک عید بزرگ

۱. دیدار با اقشار مختلف مردم در مصلاّی تهران، نیمه شعبان، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

۲. همان.

است. لذا مردم ما در این جشن با همه وجود و با دل و جان، محبت و ارادت خود را به آستان حضرت بقیةالله (ارواحنا فداه) ابراز می کنند. آنچه برای ما - به عنوان دوستداران و معتقدان به امامت و ولایت حضرت مهدی (سلام الله علیها) - مهم است، این است که علاوه بر اظهار ارادت و شادی، از این خاطره تاریخی، یا از این اعتقاد شیعی درس بگیریم.^۱

این میلاد و این یاد بزرگ باید به ما درس بدهد. احساسات، بسیار خوب است؛ عواطف، پشتوانه بسیاری از اعمال نیکوی انسانهاست؛ ایمان و عقیده قلبی به وجود این منجی عظیم عالم، شفابخش بسیاری از بیماریها و دردهای معنوی و روحی و اجتماعی است؛ ولی فراتر از همه اینها، ما باید از این یاد، از این خاطره، از این حادثه عظیم، درس بگیریم. هر سال این جشنها بر پا می شود و دلها را معطر می کند؛ اگر درسهای عمیقی که در تجدید این خاطره وجود دارد، برای رفتار ما و عمل ما بتواند یک آموزنده و معلم به حساب بیاید، یقیناً پیشرفت جامعه ما به سمت کمال، روان تر و سریع تر خواهد شد.^۲

درس اول: به سوی صلاح

یک درس از این درسها این است که همه بدانند، همه اذعان و باور کنند که حرکت عالم به سمت صلاح است؛ به سمت آفاق روشن است. مستکبران عالم هرچه می خواهند، بگویند؛/تظاهر

۱. همان.

۲. سخنرانی به مناسبت نیمه شعبان، ۱۳۷۹/۸/۲۲.

به قدرت‌نمایی بکنند؛ اما لشکر حق و حقیقت و کاروانی که بشریت را به سمت سرمنزل عدل و داد پیش می‌برد، روز به روز در حال افزایش یافتن است. گذشتِ سال‌ها نمی‌تواند این امید را در دل‌ها از بین ببرد، یا کم‌فروغ کند و در آینده - که امیدواریم آن آینده چندان دور نباشد - همهٔ آحاد بشر طعم عدالت را به معنای واقعی کلمه خواهند چشید. حقانیت آن دولت الهی و حکومت ربوبی در زمین در این است که همهٔ آحاد بشر سهم خود را از معرفت حقیقت و عمل به حقیقت خواهند گرفت. قدرتمندان و مستکبران و زورگویان و زراندوزان و زورمداران عالم هرچه تلاش کرده‌اند و بکنند، نخواهند توانست این حرکت را، این رفتار طبیعی بشر به سمت صلاح را متوقف کنند. البته در کار خدا در زمین طفره نیست. کارها بر طبق روال طبیعی انجام می‌گیرد؛ اما طبیعت و فطرت عالم این است؛ طبیعت عالم این است که به سمت کمال برود و می‌رود.

شعارهایی که امام زمان (علیه‌الصَّلواة والسلام و عَجَل الله تعالی فَرَجَهُ) بر سر دست خواهد گرفت و عمل خواهد کرد، امروز شعارهای مردم ماست؛ شعارهای یک کشور و یک دولت است. این خودش یک گام بسیار بلندی به سوی اهداف امام زمان است. یک روزی شعار توحید، شعار معنویت، شعار دینداری در دنیا منسوخ شده بود. سعی کرده بودند به طور کلی آن را به دست فراموشی بسپارند. اما امروز در این منطقهٔ عالم، این شعارها، شعارهای رسمی حکومت است، شعارهای رسمی ادارهٔ کشور و آحاد ملت است. علاوه بر این، این شعارها آرزوی

ملت‌های مسلمان در بسیاری از کشورهای دنیاست و این شعارها یک روز تحقق پیدا خواهد کرد.^۱

درس دوم: همت به نابودی ظلم و جور

درس عملی دیگر از این موضوع، این است که نابود کردن بنای ظلم در سطح جهان، نه فقط ممکن است، بلکه حتمی است. این مطلب بسیار مهمی است که نسل‌های بشری امروز معتقد نباشند که در مقابل ظلم جهانی، نمی‌شود کاری کرد. امروز وقتی ما با نخبگان سیاسی دنیا از ظلم‌های مراکز قدرت بین‌المللی و سیستم جهانی ظلم - که امروز به سرکردگی استکبار در همه دنیا وجود دارد - صحبت می‌کنیم، می‌بینیم آنها می‌گویند: بله، چیزی که شما می‌گویید، درست است؛ واقعاً دارند ظلم می‌کنند؛ اما کاری نمی‌شود کرد! یعنی مجموعه بزرگی از نخبگان که سر رشته کار دنیا در دست آنهاست، اسیر یأس و ناامیدی‌اند و این یأس و ناامیدی را به ملت‌های خود سرریز می‌کنند و آنها را از این که بتوان نقشه ظالمانه و شیطانی امروز دنیا را عوض کرد، مأیوس می‌کنند. بدیهی است که انسان‌های مأیوس نمی‌توانند هیچ حرکتی در راه اصلاح انجام بدهند. آن چیزی که انسان‌ها را وادار به کار و حرکت می‌کند، نور و نیروی امید است. اعتقاد به مهدی موعود، دل‌ها را سرشار از نور امید می‌کند. برای ما که معتقد به آینده حتمی ظهور مهدی موعود علیه السلام هستیم، این یأس که گریبانگیر بسیاری از نخبگان دنیاست، بی‌معناست. ما

می‌گوییم: نخیر! می‌شود نقشهٔ سیاسی دنیا را عوض کرد؛ می‌شود با ظلم و مراکز قدرت ظالمانه درگیر شد و در آینده، نه فقط این معنا امکان‌پذیر است، بلکه حتمی است. وقتی ملّتی معتقد است نقشهٔ ظالمانه و شیطانی امروز در کلّ عالم قابل تغییر است، آن ملّت شجاعت پیدا می‌کند و احساس می‌کند دست تقدیر، تسلّط ستمگران را برای همیشه به طور مسلّم ننوشته است.^۱

انسانها می‌توانند تلاش کنند و پرچم عدالت را - ولو در یک نقطهٔ محدود - بلند کنند. شما ببینید ملّتهایی که امروز در گوشه و کنار عالم زیر فشار ظلم و ستم زندگی می‌کنند، اگر این امید را در دل خود پیروورانند که می‌شود با ظلم مبارزه کرد، چه اتفاقی در دنیا می‌افتد و چطور ملّتها بیدار می‌شوند! یک روز ملّت ایران هم در پنجهٔ اقتدار رژیم طاغوتی دچار همین یأس بود؛ ولی امام بزرگوار ما با تعالیم اسلامی، این یأس را از دلها پاک کرد و به مردم امید و شجاعت داد. نتیجه این شد که مردم به پا خاستند، نهضت کردند، تن به سختی دادند، مبارزه کردند، از جان خود دریغ نکردند و توانستند در این نقطه از عالم، با عوامل ظلم و نظام ظالمانه و شیطانی مبارزه و آن را ریشه کن و سرنگون کنند.^۲

درس سوم: تجهیز نیرو و اقتدار

درس دیگری که اعتقاد به مهدویت و جشنهای نیمهٔ شعبان باید

۱. در دیدار با اقشار مختلف مردم، نیمهٔ شعبان، مصلای تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

۲. همان.

به ما بدهد، این است که عدالتی که ما در انتظار آن هستیم - عدالت حضرت مهدی علیه السلام که مربوط به سطح جهان است - با موعظه و نصیحت به دست نمی آید. یعنی مهدی موعود ملتها نمی آید ستمگران عالم را نصیحت کند که ظلم و زیاده طلبی و سلطه گری و استثمار نکنند. با زبان نصیحت، عدالت در هیچ نقطه عالم مستقر نمی شود. استقرار عدالت، چه در سطح جهانی - آن طور که آن وارث انبیا انجام خواهد دارد - و چه در همه بخشهای دنیا، احتیاج به این دارد که مردمان عادل و انسانهای صالح و عدالت طلب، قدرت را در دست داشته باشند و با زبان قدرت با زورگویان حرف بزنند. با کسانی که سرمست قدرت ظالمانه هستند، نمی شود با زبان نصیحت حرف زد؛ با آنها باید با زبان اقتدار صحبت کرد. آغاز دعوت پیغمبران الهی با زبان نصیحت است. اما بعد از آن که توانستند طرفداران خود را گرد بیاورند و تجهیز کنند، آنگاه با دشمنان توحید و دشمنان بشریت با زبان قدرت حرف می زدند.^۱

شما ببینید در همین آیه کریمه قرآن که راجع به قسط صحبت می کند و می گوید خدای متعال همه پیغمبران را فرستاد: «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»^۲، برای این که قسط و عدل را در جامعه مستقر کند، بلافاصله می فرماید: «وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ»؛ یعنی پیغمبران علاوه بر این که با زبان دعوت سخن می گویند، با بازوان و سرپنجهان قدرتی که

۱. همان.

۲. حدید / ۲۵.

مجهز به سلاح هستند، با زورگویان و قدرت طلبان فاسد، معارضه و مبارزه می کنند. پیغمبر اکرم وقتی به مدینه آمد و نظام اسلامی را تشکیل داد، آیات قرآن را بر مردم می خواند و به گوش دشمنان هم می رسانید؛ اما به این اکتفا نمی کرد. کسانی که طرفدار عدالت هستند، در مقابل زورگویان و زیاده طلبان و متجاوزان به حقوق انسانها باید خود را به قدرت مجهز کنند. لذا شما می بینید از روزی که نظام اسلامی به وجود آمد - یعنی اسلام مجهز به قدرت یک ملت بزرگ و امکانات یک کشور و دولت بزرگ شد - دشمنان اسلام حرکت اسلام را جدی گرفتند و علاقه مندان و طرفداران اسلام هم در اطراف و اکناف عالم امیدوار شدند. بسیاری از پیغمبران در میدان مبارزه و جهاد مقدس و قتال قدم می گذاشتند «و کَآئِنِ مِنْ نَبِیٍّ قَاتِلٌ مَعَهُ رِبِّيُّونَ کَثِیْرٌ»^۱

درس چهارم: تشکیل و تقویت حکومت دینی

کسانی که خیال می کنند اسلام باید برود و در گوشه ای بنشینند و مردان اسلام و دین، فقط زبان نصیحت را به کار بگیرند، اینها - دانسته یا ندانسته - همان چیزی را می گویند که مراکز قدرت جهانی آن را می خواهند و آرزو می کنند. مراکز قدرت استکباری از این که رهبران اسلامی در گوشه ای از دنیا بنشینند و گاهی پیام بدهند و یک کلمه حرفی بزنند - همچنان که رهبران

۱. آل عمران / ۱۴۶: چه بسیار پیامبرانی که همراه او، توده های انبوه کارزار کردند.

مسیحی در هر قضیه‌ای پیام می‌دهند، نصیحتی می‌کنند و جمله‌ای می‌گویند - هیچ ترسی ندارند. می‌دانند این خطری برای آنها نیست. از این که ملت‌های مسلمان بیدار شوند و تشکیل حکومت بدهند، از این که ایمان اسلامی آحاد مردم در قالب یک نظام و یک دولت و یک حکومت تجسم پیدا کند، واهمه دارند و می‌ترسند. نظام اسلامی و ملت مسلمان ایران و دولت جمهوری اسلامی، بزرگ‌ترین قدم را در این راه برداشت و به برکت مجاهدت جوانها و مردان و زنان مؤمن و فداکار این ملت، اسلام در دنیا به عنوان یک قدرت ظاهر شد. هرچه این قدرت بتواند خود را مستقرتر و پایدارتر کند، نظام ظالمانه و شیطانی دنیا بیشتر تهدید می‌شود.^۱

بعضیها بی‌توجه، از جدایی دین و سیاست حرف می‌زنند؛ یعنی دین را به گوشه‌های خلوت برانند و انسان دیندار، فقط به نصیحت اکتفا کند. در اینجا نصیحت نمی‌تواند کاری بکند. آنچه که می‌تواند قدرتها را مهار و تهدید کند و در برابر ظلم و فساد مقاومت کند و ریشه آن را برگند یا آن را متزلزل کند، قدرت الهی و اسلامی است؛ قدرت سیاسی‌ای است که در اختیار احکام اسلامی باشد. امام زمان (ارواحنا فداه) با اقتدار و قدرت و تکیه بر توانایی‌ای که ایمان والای خود او و ایمان پیروان و دوستانش، او را مجهز به آن قدرت کرده است، می‌رود گریبان ستمگران عالم را می‌گیرد و کاخهای ستم را ویران می‌کند.^۲

۱. همان.

۲. همان.

درس پنجم: حضور مستمر و کارآمد در صحنه

درس دیگر اعتقاد به مهدویت و جشنهای نیمه شعبان برای من و شما این است که هر چند اعتقاد به حضرت مهدی (ارواحنا فداه) یک آرمان والاست و در آن هیچ شکی نیست؛ اما نباید مسئله را فقط به جنبه آرمانی آن ختم کرد - یعنی به عنوان یک آرزو در دل، یا حداکثر در زبان، یا به صورت جشن - نه؛ این آرمانی است که باید به دنبال آن عمل بیاید. انتظاری که از آن سخن گفته‌اند، فقط نشستن و اشک ریختن نیست. انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان آماده کنیم. سربازی امام زمان، کار آسانی نیست. سربازی منجی بزرگی که می‌خواهد با تمام مراکز قدرت و فساد بین‌المللی مبارزه کند، احتیاج به خودسازی و آگاهی و روشن بینی دارد. عده‌ای این عقیده را وسیله‌ای برای تخدیر خود یا دیگران قرار می‌دهند. این غلط است. ما نباید فکر کنیم که چون امام زمان خواهد آمد و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد، امروز وظیفه‌ای نداریم؛ نه؛ بالعکس، ما امروز وظیفه داریم در آن جهت حرکت کنیم تا برای ظهور آن بزرگوار آماده شویم. شنیده‌اید در گذشته کسانی که منتظر بودند، سلاح خود را همیشه همراه داشتند؛ این عمل نمادین است و معنایش این است که انسان از لحاظ علمی، فکری و عملی باید خود را بسازد^۱ و در میدانهای فعالیت

۱. بنابراین، امروز مسلح شدن یک جوان ایرانی، شیعی و مسلمان به علم، آگاهی، توانایی، نبوغ و ابتکار در عرصه‌های مختلف، برای دشمنان اسلام و در رأس آنها آمریکا، بسیار تلخ، دشوار و شکننده است. امروز

و مبارزه، آماده به کار باشد.^۱

مصدق بزرگ و بارز «مرگ بر آمریکا» در همین علم‌آموزی، دانایی، داشتن نبوغ، خلاقیت توأم با ایمان و تعهد جوانان ما نهفته است. آمریکا قبل از این که از سلاحهای به اصطلاح هسته‌ای ما در ایران بترسد، از همین خلاقیت و احساس خودکفایی، ایمان، شهامت و شجاعت جوانان ما می‌ترسد، که با تلاش و کوشش مخلصانه به فن‌آوریهای مثبت هسته‌ای دست یافته‌اند و می‌خواهند نیازهای علمی ایران و جهان اسلام را خود تهیه و تأمین کنند و هرگز دست‌گذاری به سوی بیگانگان دراز ننمایند. این احساس خودکفایی و بازگشت به خویش، از هزاران سلاح هسته‌ای برای دشمنان کشنده‌تر است. دنیای غرب و دولتمردان آمریکا، خود به خوبی می‌دانند که ایران فاقد سلاحهای هسته‌ای است؛ اما با شیطنت این را بهانه قرار داده و در صددند تا جلوی همان فن‌آوریهای مثبت هسته‌ای و سایر تلاشهای در راه سازندگی یک ملت زنده‌دل را بگیرند. همان طوری که تجربه نشان داده و در همین سالهای اخیر مشاهده کردیم، دشمنان اسلام حتی حاضر نیستند که مسلمانان، عروسک و اسباب‌بازی بچه‌هایشان را هم خود تهیه و تأمین بکنند؛ چنان‌که اخیراً وقتی عروسک «دارا و سارا» که نوآوری یک مسلمان ایرانی بود، به بازار آمد، چقدر کمپانیها و شرکتهای تجاری و محافل سیاسی و فرهنگی دنیای غرب به هراس و اضطراب و تکاپو افتادند؛ زیرا در این یک حرکت به ظاهر کوچک، علاوه بر ضربه فرهنگی، خسارات مهم اقتصادی را متحمل شدند. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل!

آن طوری که از بیانات و تأکیدات رهبر معظم انقلاب استفاده می‌شود، امروز اگرچه شعار «مرگ بر آمریکا» لازم است، ولی هرگز کافی نیست و جوانان، علاوه بر آن، باید تلاش کنند هر کدام با تحصیل علوم، فنون و رشته‌های مورد علاقه و نیاز جامعه، حداقل در یکی از آنها - ولو در رشته‌های به ظاهر کم‌اهمیت مانند: نجاری، خیاطی، مکانیکی و... دارای تخصص و تبخّر باشند و بدین ترتیب نیاز جامعه اسلامی را برآورده سازند و در نهایت، زمینه ظهور حضرت مهدی موعود(عج) را فراهم آورند و در واقع مایه افتخار و زینت برای آن امام همام شوند.

۱. همان.

درس ششم: مردم‌سالاری دینی

درس مهم/دیگری که وجود دارد، این است که حکومت آینده حضرت مهدی موعود (ارواخنا فداه) یک حکومت مردمی به تمام معناست. مردمی یعنی چه؟ یعنی متکی به ایمانها و اراده‌ها و بازوان مردم است. امام زمان، تنها دنیا را پر از عدل و داد نمی‌کند؛ امام زمان از آحاد مؤمن مردم و با تکیه به آنهاست که بنای عدل الهی را در سرتاسر عالم استقرار می‌بخشد و یک حکومت صد درصد مردمی تشکیل می‌دهد.^۱ اما این حکومت

۱. چنان‌که از بیانات فوق برمی‌آید، نقش مردم را در حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) نباید دست‌کم گرفت و این پذیرش، تبعیت و حضور گسترده و عمیق مردمی است که اهداف و آرمانهای مقدس آن حکومت را به مرحله بروز و عینیت خواهد رساند. بزرگ‌ترین معجزه آن حضرت هم در همین نقطه متمرکز است و این یک حقیقت و واقعیت زوال‌ناپذیر است که تجربه تاریخی در صدر اسلام و ۲۵ سال انقلاب اسلامی ایران نیز بدان تأکید بحق دارد. در صدر اسلام، بیعت و تبعیت چشمگیر جوانان و سایرین از دعوت پیامبر، آن حضرت را در میدانهای جنگ و سازندگی سربلند و پیروز و کارآمد بیرون آورد و در مقابل، عدم حضور و عدم پذیرش مردمی - به هر دلیل - سبب ۲۵ سال خانه‌نشینی و کناره‌گیری امام علی (علیه السلام) از حکومت و رهبری شد. چنان‌که در تاریخ انقلاب اسلامی ایران نیز، این حضور گسترده و پذیرش آگاهانه مردم بود که به رهبری حضرت امام خمینی کارآیی لازم و کافی را داد و به رهبری معظم‌له وجود خارجی بخشید. به دیگر سخن، اگرچه از یک جهت و در واقع و در مرحله «ثبوت»، انبیاء، امامان معصوم و ولّی فقیه جامع شرایط، آسمانی‌اند و از سوی خدای متعال منصوب شده و به سوی مردم فرستاده شده‌اند، اما در مقام «اثبات» و در مرحله اجرا، اگر بخواهند برنامه‌های خود را عملی کنند، زمینی‌اند و نیاز مبرم به پذیرش، تبعیت، بیعت و حضور مردمی دارند. حکومت جهانی حضرت مهدی موعود (عج) هم از این قاعده خارج نیست و برای اجرای عدالت جهانی در این حکومت، بیعت و حضور چشمگیر مردم شرط اساسی و تعیین‌کننده به شمار می‌آید. امروز هم که می‌بینیم

مردمی با حکومت‌های مدّعی مردمی بودن و دموکراسی در دنیای امروز از زمین تا آسمان تفاوت دارد. آنچه امروز در دنیا اسم دموکراسی و مردم‌سالاری را روی آن گذاشته‌اند، همان دیکتاتوریه‌ای قدیمی است که لباس جدید بر تن کرده است؛ یعنی دیکتاتوری گروه‌ها. اگر رقابت هم وجود دارد، رقابت بین گروه‌هاست و مردم در این میان هیچ کاره‌اند. یک گروه به قدرت دست پیدا می‌کند و در سایه قدرت سیاسی‌ای که همه زمام‌های امور را در کشور در اختیار او می‌گذارد و با سوء استفاده از این قدرت، ثروت و پول و سرمایه را به نفع خود گردآوری می‌کند و آنها را در راه به دست آوردن دوباره قدرت مصرف می‌کند. دموکراسی‌های امروز دنیا بر پایه تبلیغات دروغ و فریبنده و مسحور کردن چشم‌ها و دل‌هاست. امروز در دنیا هرجا شعار دموکراسی می‌دهند، شما ببینید برای تبلیغات کاندیداهای ریاست جمهوری و یا نمایندگان مجلس چه کار می‌کنند! پول خرج می‌کنند. دموکراسی در پنجه اقتدار پول، اسیر است: مردم‌سالاری امام زمان - یعنی مردم‌سالاری دینی - با این روش، به کلی متفاوت است.

این که بنده تأکید می‌کنم باید مراقب سوءاستفاده‌های مالی در دستگاه‌های قدرت و وابسته به حکومت بود، به خاطر این

انقلاب اسلامی و حکومت جمهوری اسلامی، پس از ۲۵ سال، با آن همه ترفندهای دشمنان - از قبیل: کودتا، تجزیه، جنگ تحمیلی، تحریم و... - همچنان پابرجا به پیش می‌رود، یکی از مهم‌ترین دلایلش، همین پذیرش، بیعت و تجدید میثاق مردم است و این همان مردم‌سالاری دینی مورد تأکید مقام معظم رهبری در متن می‌باشد.

است. زیان بزرگ فساد اقتصادی در دستگاههای دولتی این است که پول را در خدمت قدرت و قدرت را در خدمت پول به کار می گیرند و دور باطلی به وجود می آید. از قدرت و داشتن مسئولیت و مدیریت در بخشهای مختلف برای جمع آوری ثروت و پول سوءاستفاده بشود، بعد همان پول مجدداً در خدمت خریدن آراء رأی دهندگان قرار گیرد؛ حالا یا خریدن آشکار - که در خیلی جاها در دنیا معمول است پول بدهند - یا خریدن پنهان با شیوه های گوناگون؛ یعنی با خرج کردنهای گوناگون، جلب محبوبیت کنند. این مردم سالاری و دخالت مردم در امور نیست. رأی مردم در اینجا بازیچه شده است.

در نظام اسلامی - که مظهر کامل آن، حکومت حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) است - فریب و حيله گری برای جلب آراء مردم، خودش جرم است؛ استفاده از قدرت برای به دست آوردن پول، یکی از بزرگ ترین جرایم است. آنجا یاران حضرت مهدی موظفند در سطوح پایین زندگی کنند. نظام اسلامی ما پرتو کوچکی از آن حقیقت درخشان است. ما هرگز این ادعا را نکردیم و نمی کنیم؛ اما باید نشانه ای از او داشته باشیم.^۱

تکاپوی دشمنان

این عقیده که همه مسلمانها به آن معتقدند، مخصوص شیعه نیست. البته در خصوصیات و جزئیاتش، بعضی فرق حرفهای دیگری دارند؛ اما اصل این که چنین دورانی پیش خواهد آمد و

یک نفر از خاندان پیامبر چنین حرکت عظیم الهی را انجام خواهد داد و «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهٖ الْأَرْضَ قِسْطًا وَّ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَّ جَوْرًا» بین مسلمانها متواتر است. همه این را قبول دارند. خوب این عقیده از آن عقاید بسیار کارگشاست... ببینید عقیده به مهدویت چقدر مهم است! چقدر خطای می کنند کسانی که به اسم روشنفکری و به اسم تجدد طلبی می آیند و عقاید اسلامی را بدون مطالعه، بدون اطلاع، بدون این که بدانند دارند چه کار می کنند، مورد تردید و تشکیک و اینها قرار می دهند! اینها همان کاری را که دشمن می خواهد، راحت انجام می دهند... بنده سندی را دیدم که آن بزرگان استعمار و فرماندهان استعماری توصیه می کنند که ما باید کاری بکنیم که این عقیده به مهدویت به تدریج از بین مردم زایل بشود.^۱

این عید، مایه امید و درست نقطه مقابل آن فضای یأس آلودی است که استکبار می خواهد در مقابل چشم مستضعفان عالم به وجود بیاورد.^۲

این بدبختیهایی که شما می بینید روی زمین را فرا گرفته است و در زیارتها و آثار مربوط به ولّی عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) آمده است: «كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَّ جَوْرًا»، زمین در تمام دوره های تاریخ پر از ظلم و جور شده است و می شود و آن بزرگوار می آید، همه زمین را از قسط و عدل پر می کند، این ظلم و جور، روی زمین بر اثر چیست؟ بر اثر نبود یا کمبود انسان صالح، بر اثر

۱. در جمع اقشار مختلف مردم، نیمه شعبان، ۱۳۷۶/۹/۲۵.

۲. در اجتماع مردم قم، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.

سروری و خدایگانی انسانهای ناصالح است.^۱

امروز دستگاههای تبلیغاتی مراکز استکباری دنیا و روشنفکران وابسته به آنها در سطح عالم این طور تبلیغ می کنند که هیچ حرکتی در مقابل نظام ظالمانه کنونی ممکن نیست. با فکر انقلاب و آرمانگرایی مبارزه می کنند و می خواهند ملت‌ها را متقاعد کنند که به همین وضعیت کنونی ظالمانه دنیا بسازند و در مقابل آن هیچ عکس‌العملی نشان ندهند. فکر اعتقادی به مهدی، نقطه مقابل این تبلیغات غلط و ظالمانه است. جوانان و روشنفکران و عموم ملت ما با اعتقاد به ظهور مهدی (علیه الصلوة والسلام) این اعتقاد راسخ را در دل خود پرورش می دهند که نظام ظالمانه جهانی، قابل زوال است و ابدی نیست و می شود با آن مبارزه و در مقابل آن ایستادگی کرد.^۲

از خداوند متعال می خواهم که برکات وجود مبارک ولی عصر (ارواحنا فداه) را بر سر همه ما بگستراند و ما را از سربازان و جانبازان و فدائیان و خدمتگزاران آن بزرگوار قرار دهد.^۳

۱. در دیدار با فرماندهان پاسداران کمیته انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹/۱۰/۱۰.

۲. در دیدار با اقشار مختلف مردم، مصلائی تهران، نیمه شعبان، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

۳. در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت سالروز آزادی خرمشهر، ۱۳۸۱/۳/۱.